



ج ۵

پخش عکاسی کتابخانه ملی ایران
نام
میکروفیلم شده و تاریخ
شماره میکروفیلم

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
بخش نشریات ادواری
کد ۸۲
۱۱۶

۴۵۱۸

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
بخش نشریات ادبی
کتابخانه شماره ۸۲

کیمی در نه سال در چهار جلد منسخت شد
موجود کتابخانه کتبی ۲۱ جلد در دسترس
حقوق موقوفه است

باجازه وزارت جلیه

انطباعات

نخستین بار در شهر رجب سنه ۱۳۱۴ هجری

قیمت در دوازده پنجاهی



(۱)

نمره اول

انواع و اصول استعداد هر نوعی را غیر از دیگری نیست

هر کس متاله مفیدی با دانه تربیت فرستد نشر از اصلاح دانست با هم خود یوه طبع خواهند

(۱ اعلان)

بیاری قادر متعال جلت حکم و قد است اسما و با اجازه وزارت جلیه
انطباعات این روزنامه هفتگی موسوم (تربیت) شروع طبع نو
و دری از مضامین بروی ارباب دانش گوید هر کس حرفی
سودمند داشته باشد بواسطه این جبهه می تواند بگوید و در راه وطن
کامی و راهی بگوید این در مثل بر هر گونه مطلب مفید است و از
اغراض تربیت و مع و قبح و غیره فارغ و آزاد قیمت آن پل و بنا
نه تجا با باده می شود و چنانکه در خبری آن هر نفسی مختار است

و عالم عالم خستیا

(آغاز سخن)

کتابخانه ملی وزارت

اکابر حکام و دانشمندان جهان بر آنند که بشه نوعی واحد است و از
استاد یعنی دارای انواع اگر چه برخی غیر از آن گفته و قائل

با نوع شده و اصول استعداد هر نوعی را غیر از دیگری نیست
این قول ضعیف است و مخصوصا این وجه که ربع مکون نمی شود
واقعا را با دانه ختمه طوری با هم ارتباط حاصل نموده اند و
پیدا کرده که در حکم یک مملکت است و بنا به یک ناحت گشت
و در وی زمین هم با هم مجاور و جوار و همسایه دیوار بدیوار
برخی و محبسه ی در طرف چند و در شرق مغرب می رود و از جنوب
بشمال می رسند و دور و یار اچان می پیمایند که کوئی ازین محله بان محله
نقل مکان و تفرج منیست با فرین کجکا و و خالین محقق که در عوالم
عل و حلق امم و خصایص اقوام و خصایل قابل نظری نیست
و هوشی ثاقب دارند و از بار یک بینی و مو شکافی در میان میباشند
فرق میگذارند همه جا را دیده و بغیر عادات و حالات تمام طبقات
و صنف خلایق از سماء و سفد و غمره رسد و از تجارت

عده و آگاهی فیه و پنجه بگویند به بشری است از یک
و نه و دارای یک قدرت استعداد و تفاوتی که در میان است
از تربیت است اگر راه تربیت باید خود را ببلای علی رپا و آلا در خراب
خانه بی در و بام باشد و این مطلب در مقدمه کی از سفر نامه های
(مادام فیروز) المانی از سیستان مشهور هستند فرنگ و در با
جایی دیگر خوانده دیده ایم و از افواه رجال شنید

و از مطالبی که مؤید نوع واحد بودن انسان است اینکه همیشه بگویند
نوع بشر و بگویند بی جنس و مطلب از بس مسلم و برین است حاجت
باشد و استبدادیت فقط اثراتی کافی است برویم بر سر شیخ
مستور

اگر چه نوعی واحد نبود و اصول استعداد شوب و قبایل اختلاف
و تفاوت می نمود حق نداشتیم تمام اهل عالم را مکلف بیک تکلیف
و جمله با بصره و ذره علیه علم و کمال و ترقی و تمدن و صنعت و
و جبر و بصیرت تشویق و ترغیب نماییم و این حوزه جلیه و روضه غنا
و عفت کنیم و بخوانیم چنان تحلی عب و شاق بود و تکلیفی بمنی و بالا
و براتنی جاداشت بگوید من در بند سرشتی مخصوصم و در جولانگای
محدود و محسوس سیر من اندازه دارد و اگر تخم کند ناوسیر

در باغ بهشت بکاری و از حوض کوثر آب می لاله نعمان نبارد
قشمی که مرا نیامشیدند که بعد کنم میترم نیست
اما از مواهب سینه الهی و نشیمنای رحمت یسناهی چون همه انیم
و در اصول استعداد یکسان چنانکه بزرگان مجرب و مجتهد کاروان
فرموده اند بکسر مطلب و ختم گوئیم اگر تفاوتی در میان است تربیت
و اگر نقصانی در جانی مشاهده شود از نقص مثبت پس حالا

خوبست چشمی بکشاییم و بحال خود نظری نماییم ببینیم که ایم چه ایم و ایم
یا کیمیم خویم باید حلف بنمایم بر جد از احجار کریمه یا کیمیم
خرف یا لولولا یا قوت آب و دل یا رواق و بدل و محضیر
و نقی و ایریم یا نداریم و باید خود را در ردیف آن مردان که امروز
در صف اول قطار آدمیت پیاده اند و پایه انیت را بر طاق و روفی
بند نهاده بشماریم یا شماریم

و آستان در از است و راه گفتو باز کم کم باید گفت و خورده
خورده باید شفت و کی از خصایص ما این است که نیکویم همه چیز
میدانیم و همه کار می توانیم اما برادران ما نداریم و وجود هر یک را
غنیست می شماریم هر چه را می دانیم می پریم سوال میکنیم جواب میدهند
و البته ما را درین تعهدی که می نماییم تنها نمیکند و راند و راه هستی

می سپارند برادی یکسند بلکه پری خوابگی و سپردی چه
خیری است برای هدایت و اگر حفظ و حرآپستی شامل تمام در حال
آنکه مباحثه و تقش میکنیم تا از مجاهدین باشیم نه فاعین و در خیل
مستعدین و پاهین و اگر جاهای بعضی در ارشاد ما بخت گیرند
و در ملک معلومات مضایقه نمایند جو اند ما هستند که دل غششان
از لوث غل و سهاک پاک است و غره و ناصیه که آتشان در خند
و تابناک از بخیلان بکریان پناه بریم از پس که خندان چشم پوشیم
و در خوان اتحاد غنفر و نمین خوریم و نویسم

وزارت جلیه طباعات چون از مقاصد سنی و مدارک حدیث
یت و خیال بند هستند علیحضرت شریار فرخنده آثار و پدر
مهربان تاجدار شاهان کار آگاه مظهر الدین شاه روحانده
خبردار است باذن ادا که این روزنامه هفتگی موسوم تربیت را
طبع کنیم و منتشر سازیم و در دوره های هفتگی سابقه و اسب
تاری خودی در این مضمار اندازیم و پانی کنیم و صاحبان آنرو
روئی برنیم (بلکه باین صد چوگان شده کوئی برنیم)

ما هم بیست گرمی مکارم مبدول پاراد بلندترین پیر زبان و عوی
کند آشته جرات کرد و صاحبان بصیر و اصل نظرا علان می نمایم که

یوسفی داریم و نه از حد و کینه و رقابت و رشک و رینه بلکه برای
غیر کردن آن در منبر معارف و معالی عجا که او را بشی بخش میفریم
و در برائت پاحت آن از وصیت اغراض نیست حتی المقدور میگویم
و آنان که پاک را از نا پاک تمیز دهند و در میان غرور و یعوب و نار و ظنا
عزوب فرق بند است بهر بخت کریا یا با هر سراسی خواهند نمود
و آن کرمی خواهند نمود که مصر با این عزیز نامی پاک را در جامی بابل
دنیا شود و منبع نخل علما و ملقای نل مقاصد قضی عجا که درین
باین چند سطر اقصا می نمایم و اگر بخوابست خدا بپایم در ما
از صحت بکشایم

احبار خارجه بشارت

اگر شخص را پست گوئی با خبر و چه که حکای بزرگ فرگفت علاج طاعون
پیدا کرده اند آیا مرده بزرگی نداده روزنامه تربیت در این نموده
اول خود این مرده بطلاله کنندگان میدهد و میگوید اینم کی از غواید
تربیت روزنامه هفتگی و با سوره تاریخ هفتم ماه نوامبر گوید
طاعون کی از امراض پر خوف و وحشت و بالی است و اگر کسی تاریخ
رجوع کند می بیند این مرض قاتل با نوع بشی چه کرده چه بود مردم

آورده بدتر از همه اینک این درود را در مانی نبود بلکه احدی باور نمینمود
 که بتوان علایجی برای آن پیدا کرد حالا معلوم میشود علیای علوم
 جدید که این مرض را برپا ندانسته و کار این جنم الدانان نیز چنانچه
 صاحبان آگاهی دانند که (میوپاشتر) معروف که در کشین
 در افواج جاوید باد و از اصلی موسوم به دار علم پاشتر بر پا گردیده
 که هنوز هم دایر است اجزای این دار علم که بر بیت جان حکیم
 و انشد صاحب مقامی معلوم شده اند ماده پیدا کرده که برای
 دفع طاعون مفید است (سیورسن) طبیب که حالا
 چین است تجربه آن پر دخته و دفع و فایده آن یقین حاصل نموده
 باین معنی که روزیازدهم ماه اکتبر همین سال مکرامی از طبیب شایسته
 رسید بگوید جوانی در شهر (کانتون) از بلاد معتبره چین
 مبتلا با خوشی طاعون شده و طببا از معالجه آن بایوپس گشتند
 من او را همان ماده اجزای دار علم پاشتر معالجه کردم و شفای
 یافت پس از آن بارتقح آن ماده پرداخته و عمل را تکرار کرد
 و هر دفعه نتیجه خوب بخشد قنول مندرانه مقیم بکنت
 بفرستاده اطلاع داده که بعد از غایت سیورسن میورسن
 جان ماده را بدو فرستاده که در رسد کاتوکی که مبتلا بر مرض طاعون

شده بودند تفتیح کرد و هر دو از خطر حبتند میورسن بامونی
 که از بنا در چین است رفته و در روز دینا قامت کرده و میت و
 دو نفر مریض مبتلا بطاعون ابیمن پنج معالجه نموده میت نفر
 از آنها شفا یافته اند و حالا باریورسن در کار حبتند به تحصیل مزید
 طمیان میباشد

در هر حال شک نیست که ماده جنبه ای دار علم پاشتر در علاج
 طاعون اثر بزرگی دارد و اگر دولت چین در این پسند همراهی کند
 یقیناً این مرض در هشتاک ر میستوان از مملکت فرزند آسمان دور
 پاخت یعنی منبیا و آن ابراهیم است

پس پاشتر دانستند چه در حیات خود چه در حیات برای نوع انسان
 وجودی نمودمند بوده و خدمات بسیار بزرگ به عالم انبیا
 نموده

علوئی الحیات و فی المات

لحق انت احدی المکرمات

(اعلان)

قیمت اعلان غیر مکرر در این روزنامه پطری ده شاهی است و اگر
 یک اعلان مکرر بخواند پطری پنجاهی محض اطلاع عرض شد